



با رامین حیدری فاروقی، سازنده‌ی مستند این‌جا آفریقاست

مستندهایی درباره‌ی زیبایی



متولد ۱۳۴۵؛ در سال ۱۳۶۸ وارد دانشکده‌ی سینما تئاتر دانشگاه هنر شد و با رتبه‌ی اول رشته‌ی کارگردانی را به پایان رساند. شاید همگان او را با مستند این‌جا آفریقاست بشناسند، مجموعه‌ی ۵۲ قسمتی که مسایل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... قاره‌ی آفریقا را با ظرافت و نکته‌سنجی خاصی شعرگونه به تصویر کشید. زیبایی و پرداختن به جلوه‌های ممتاز زندگی انسان‌ها آن چنان دغدغه‌ی برای این مستندساز صاحب سبک ایجاد کرد که ۴ سال از زندگی‌اش را در سفر به آفریقا وقف انعکاس روشنایی‌های این قاره‌ی سیاه به بیننده‌ی می‌کند که فقط تصاویری سیاه از این قاره در ذهنش نقش بسته است. وی را می‌توان از پایه‌گذاران نماهنگ‌های تلویزیونی دانست؛ نماهنگ‌هایی چون اشک‌افشان، کاروان، نوبی، خورد، گرد و آینه، دشت‌ها و بادگیرها، روزی که نیست و... او کارگردانی آثار مستندی چون رودی تا بهشت، ابر، باد، ماه، گره و... را به عهده داشته است. بیان شاعرانه‌ی موضوعات به همراه تصاویر متحرک، شیوه‌ی است که در غالب آثار این کارگردان و منتقد سینما به چشم می‌خورد. وی طراح برنامه‌ی دو قدم مانده به صبح که شب‌ها از شبکه‌ی چهار سینما پخش می‌شود و نزد محافل ادبی و هنری محبوبیت یافته، است. فاروقی در سینمای مستند معاصر صاحب جایگاهی ویژه و شریف است. تماشای دنیای پیرامون از زاویه‌ی نگاه او شناختی بدیع را برای مخاطبش ایجاد می‌کند و این برای یک مستندساز هدفی گرانمایه است.

را در قالب رنگ، طرح و نقش بروز می‌دهند؛ واقعیت و خیال در متن شکل‌گیری جهان اثر هنری از یک سو و ساز و کار مدیریت در اجرا از سوی دیگر، موضوعات بنیادی مورد علاقه‌ی من هستند.

زمان در روایت سینمایی، مفهوم معاشرت با زمان و تفاوت زمان مکانیکی نیوتنی با زمان روانشناختی و زمان دراماتیک به عنوان محل تلاقی این دو شکل، از موضوعات دیگری است که پیوسته دنبال می‌کنم؛ موضوعی که در حوزه‌ی مدیریت هم تحت عنوان مدیریت زمان قابل پیگیری است. چگونگی مدیریت زمان نزد اصحاب هنر و اندیشه، موضوع مجموعه‌ی مستند «دیدار» بود تا این که بین سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ تهیه‌کنندگی و کارگردانی مجموعه‌ی ۵۲ قسمتی «این‌جا آفریقاست» را بر عهده گرفتم، مجموعه‌ی درباره‌ی آسیب‌شناسی توسعه در کشورهای آفریقایی و تفاوت چهره‌ی واقعی قاره‌ی بزرگ با ۵۲ کشور با آن چه پیوسته در قالب فقر و جنگ به‌وسیله‌ی رسانه‌های مغرب‌زمین انتشار می‌یابد؛ این که آفریقا قاره‌ی هزاره‌ی سوم است و بخش‌های توسعه‌یافته‌ی هم دارد که در حد معیارهای جهان توسعه‌یافته عمل می‌کنند. نقش اطلاعات، برنامه‌ریزی و مدیریت در توسعه و رابطه‌ی متقابل سیاست، اقتصاد و فرهنگ در تحقق آن، موضوع این برنامه بود. این‌جا آفریقا، در کشورهای آفریقای جنوبی، زیمبابوه، تانزانیا و اتیوپی تصویربرداری شد. کار آخری که مرحله‌ی تولید آن به انجام رسیده و مشغول تدوینش هستیم، مستند «شرق، دیوار، آفتاب» است. این مستند به موضوع

حیدری فاروقی و کارهایش به روایت خودش

من دانش‌آموخته‌ی کارشناسی کارگردانی سینما و کارشناسی‌ارشد پژوهش هنر از دانشگاه هنر هستم. موضوع پروژه‌ی کارشناسی‌ام «واقع‌نمایی از واقعیت تا خیال» بود و در دوره‌ی کارشناسی‌ارشد پروژه‌ام را با عنوان «بیان شاعرانه در تصویر متحرک» به انجام رساندم تا پژوهش در این زمینه‌ها بتواند یاری‌ام کند.

برنامه‌سازی تلویزیونی، نویسندگی و کارگردانی را با نماهنگ شروع کردم و این بعد از مجموعه‌ی فعالیت‌هایی بود که در زمینه‌ی نوشتن مقالات تحلیلی، نقد و آموزش سینما و تدریس فیلمنامه‌نویسی و کارگردانی داشتم. در سال ۱۳۷۵ اولین کارم را در حوزه‌ی مستند با مجموعه‌ی ۲۸ قسمتی «رودی تا بهشت» درباره‌ی روابط متقابل ایران و شبه قاره‌ی هند و با تأکید بر ادبیات، معماری و آیین‌ها آغاز کردم. پس از آن بعد از ۲ سال تلاش برای به انجام رساندن این پروژه، مستند «ابر، باد، ماه» را در زمینه‌ی شناخت پیشه‌ی کشاورزی و فرهنگ حاکم بر آن در دست گرفتم که به آسیب‌شناسی توسعه و تفاوت ماهوی کشاورزی سنتی و صنعتی می‌پرداخت. این مجموعه هم از ۲۸ قسمت ۳۰ دقیقه‌ی تشکیل شده بود.

مجموعه‌ی مستند «گره» کار بعدی‌ام بود، برنامه‌ی درباره‌ی زیبایی‌شناسی دست‌باف‌های ایرانی و تحلیل جامعه‌شناختی، اقتصادی، فرهنگی و هنری این حرفه و ارتباط آن با معماری و شاخص‌های مردم‌شناختی اقلیم‌های مختلف که در حوزه‌ی واقعیت و خیال، خود



به ساختن مستند
در باره‌ی زیبایی
علاقه‌مندم و این که
با نمایش معیارهای
برتر بتوان سطح
توقع مخاطب را
از خود و جهان
پیرامونش ارتقا داد

هنر شبکه‌ی اول سیما ارایه کرده‌ام، طرحی درباره‌ی یک شبکه‌ی مستند که تولید برنامه‌ی مستند ندارد و تنها به پخش آثار ساخته‌شده اختصاص می‌یابد یا چند امکان؛ امکان دسترسی به آرشیو مجموعه‌ی مستندها، امکان ارایه‌ی دوره‌ی و تطبیقی آثار، امکان فراخوان برای تکمیل آثار و اطلاعات، امکان برگزاری جشنواره‌ی تلویزیونی به معنای نمایش آثار برتر، امکان پاسخ برای نمایش آثار از طریق ثبت نام اینترنتی و از همه مهم‌تر جایی که بتواند پایگاه اینترنتی ایجاد کند و اهالی سینمای مستند را از احوال تولیدات برای جلوگیری از تولیدات موازی بدون رعایت تفاوت در ساخت مطلع سازد و امکان دسترسی به درخواست و دریافت آثار به نمایش درآمده. این پیشنهاد من است و اگر نه فعلاً همین است که هست! این‌طور به نظر می‌آید تا اطلاع ثانوی.

سینمای مستند جهان به کدام سو می‌رود؟

به آن سو که جهان می‌رود، با این تأکید که دسترسی به امکان ساخت فیلم مستند در حوزه‌ی سینمای دیجیتال و تولید شخصی، خانگی و کم‌هزینه بیشتر شده و در نتیجه هم تکثیر و جذابیت آورده، هم قدری شلختگی که ربطی به تکنولوژی ندارد و مسئولش آدم‌های شلخته‌اند. ما هم تقریباً سر جای خودمان هستیم با کمی یا نه خیلی تولید بیشتر.

اهمیت مستند از نگاه تلویزیونی‌ها

تلویزیون بیش از گذشته اهمیت فیلم مستند را درک می‌کند، اما بعضی از شکل‌های مستند اجتماعی و انتقادی به دلایل نانوخته و ثبت‌نشده و بر اساس منطقی سر و درد و دستمال ساخته نمی‌شوند. جدول پخش برنامه‌ها خیلی به فیلم مستند راه نمی‌دهد؛ سبقت حتی از مجموعه‌های تلویزیونی درجه چندم هم ممنوع است و شاید یکی از مراحل تعیین‌کننده در توسعه‌ی مستندسازی در تلویزیون، در نظر گرفتن جایی اختصاصی و خوب برای پخش فیلم مستند باشد. خبر خوش این که من همه‌ی این آسیب‌ها را از زبان مدیران شنیده‌ام و این سرآغازی خوب و امیدبخش است. امید هم برای آدم لازم است، من هم خیرش را دیده‌ام و توصیه می‌کنم.

فرهنگ مدیریت، مدیریت فرهنگی و سابقه و ظرفیت‌های روابط میان دو تمدن ایران و چین می‌پردازد. من تا کنون و پیش از شرق، دیوار، آفتاب، ۴۴۰۰ دقیقه برنامه‌ی مستند تلویزیونی ساخته‌ام و از این بابت و به‌واسطه‌ی این بخت‌یاری مشعوف و شکرگزارم.

در حال حاضر روی دو پروژه‌ی تحقیقی کار می‌کنم که یکی از آن‌ها به تولید نزدیک‌تر است؛ مستندی در باب آسیب‌شناسی توسعه و رؤیای جمعی آمریکای لاتین و هم‌چنین مستندی پیرامون بررسی عوامل جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی، فرهنگی و مدیریتی تاریخ تحول شهرسازی ایران در شکلی از پژوهش تطبیقی!

انواع سینمای مستند

تعریف سینمای مستند، تعریف همه‌ی سینمای مستند است؛ مثل آن که سینما در کل یعنی همه‌ی سینما، همه‌ی شکل‌ها، گونه‌ها و سبک‌ها. زندگی جامع متکثر و متغیر است، تعبیر در زایش و دگرگونی‌اند، امکانات تولید و برنامه‌سازی رو به رشد هستند و در نتیجه طبیعی است که شکل و شیوه‌های گوناگونی در حوزه‌ی سینمای مستند وجود داشته باشد. وقتی مستند به سمت موضوعاتی در گذشته و در ارتباط با انسان، فرهنگ و باور و دریافت و استنباط بشر از هستی، زیبایی، هنر و باور می‌رود، گاهی خود را به حضور و رؤیت زندگی آدمی نیازمند می‌بیند. جایی که خواندنی‌ها و شنیدنی‌ها بیش از دیدنی‌ها به جا مانده‌اند، مستندساز رو می‌آورد به بازسازی بعضی بخش‌ها. وقتی می‌خواهید از احساس و تلقی و استدراک عاطفی انسان و زندگی اسناد قابل رؤیت ارایه کنید، احوال کار شما فرق خواهد کرد؛ احساس آدمی هم بخش مهمی از مستند زندگی اوست.

پس با احترام به همه‌ی شکل‌های گوناگون مستندسازی گزارشی، اجتماعی و مایل به ثبت کاستی‌ها و زشتی، به ساختن مستند درباره‌ی زیبایی علاقه‌مندم و این که با نمایش معیارهای برتر بتوان سطح توقع مخاطب را از خود و جهان پیرامونش ارتقا داد و نگذاشت تماشاگر به دیدن زشتی عادت کند.

شبکه‌ی مستند سیما

برای ایجاد شبکه‌ی مستند طرحی را به گروه فرهنگ و تاریخ و



**دست‌رسی به امکان
ساخت فیلم مستند
در حوزه‌ی سینمای
دیجیتال و تولید
شخصی، خانگی و
کم‌هزینه بیش‌تر شده
و در نتیجه هم تکثیر
و جذابیت آورده، هم
قدری شلختگی!**

را انتخاب کنند؛ حتماً راه‌های دیگری هم هست و هر نوع شکل و رفتاری در کار و بار هنر وقتی خوب است، خوب است و نتایج خوب با خود می‌آورد.

فیلمسازی برای جشنواره‌ها؛ آسیب به سینمای مستند یا ...

در کل فکر نمی‌کنم مشکل اصلی این باشد که گروهی فیلم می‌سازند و آن را به جشنواره‌ها می‌فرستند؛ در ضمن یادآور می‌شوم که تا به حال به این قصد فیلمی نساختم، حالا یا نخواستام یا بلد نبوده‌ام. فکر می‌کنم مشکل جای دیگری است و روش حمایت از کار خوب سلبی نیست، ایجابی است، یعنی این‌که آن‌قدر مجال و فضا برای ساخت انواع کار و همین‌طور انواع تشویق و ترغیب باشد که حالا اگر فیلمی رفت و جایزه گرفت مفت چنگش. اگر دیگران مایل‌اند و می‌توانند و فکر می‌کنند کار آسانی است امتحان کنند! و یک نکته‌ی مهم، فکر کنم خوب است اوضاع طوری باشد که مردم هم فیلم مستند ببینند.

جشنواره‌ی سینما حقیقت

جشنواره می‌گویند چیز خوبی است. فیلمسازان آثارشان را می‌فرستند، اگر انتخاب شد دیده می‌شود و اگر دیده شد و جایزه گرفت لابد برای فیلمساز یا تهیه‌کننده خوب می‌شود، اما من در مجموع کم‌تر دیده‌ام حاصل جشنواره‌یی برای موضوعی حاصل درخوری داشته باشد. شاید هم فیلمت را فرستادی و اصلاً انتخاب نشد، بعد گروهی که آن را دیده‌اند با تعجب بگویند چه‌طور؟ مگر می‌شود؟ و شما بگویی حالا که شده، بعد هم قهر کنی و داغ به دل یخ بگذاری و اصلاً به جشنواره‌ها نروی! البته این داستان به جشنواره‌ی سینما حقیقت ربطی ندارد و مربوط است به یک روزی، جایی و خاطره‌یی. حالا اسم این بخش از جشنواره حقیقت است. حقیقت چیز خیلی خوبی است، پس طبق یک معادله‌ی ریاضی ساده وقتی هم جشنواره خوب است، هم حقیقت خوب است و خیلی خوب است، جشنواره‌ی سینما حقیقت بسیار عالی است! ■

مستند خلاق هم مثل هر چیز خلاق دیگری جالب‌تر و بهتر است؛ تلویزیون هم این را می‌داند و لازم است آدم‌های خلاق و طرح‌های خلاق با شیوه‌های خلاق چند سالی صرف کنند تا بتوانند، بتوانند در این میان من استثناهایی را تجربه کرده‌ام که داستان استشنا و قاعده هم از دیگر مواردی است که می‌شود درباره‌اش مستند غیرخلاق هم ساخت.

تمدن فرزند اوقات فراغت است

شاید بشود، اما من تصور و تخیلم قد نمی‌دهد. در جایی از آفریقا استادی به من گفت که تمدن‌ها فرزند اوقات فراغت‌اند، یعنی آدم باید کمی وقت بیش‌تر داشته باشد؛ مزید بر همه‌ی آن بخشی که صرف می‌کند تا سقفی داشته باشد و چیزی بخورد. آدم‌های درگیر معاش وقت نمی‌کنند بروند و به تماشای سیل فیلم‌های فراموشی بنشینند، چه رسد به نوعی از سینما که قرار است معناگرا و پرسشگر باشد، آن پرسش‌هایی که گاهی از پاسخ‌ها بزرگ‌ترند.

سینمای مستند یا داستانی؟

مستندسازان اکثراً مثل بسیاری دیگر از اهالی روزگارهای تقدیری خیلی تصمیم نمی‌گیرند ببینند چه می‌کنند، بیش‌تر باید سعی کنند و ببینند چه پیش می‌آید، بعد اگر بیش از یک انتخاب موجود بود انتخاب کنند! داستانی و مستندش چندان فرقی نمی‌کند، اما اگر امکان انتخاب فراهم بود دو حالت یا بیش‌تر دارد: ابتدا ممکن است راه دستش نباشد، دیگر این‌که دوست نداشته باشد و سه دیگر آن‌که داستان بازار و بازگشت سرمایه برای تجربه‌ی مستندسازان که خیلی به این حرف‌ها عادت ندارند ترسناک‌تر است و وقتی آدم بترسد می‌رود، نمی‌آید.

راه‌های تجربه

هر کسی هر جور بتواند برای بیان تجربه‌یی جدی راهی پیدا کند خوب است و برای مواقعی که حرف جدی زدن زیادی جدی است، شاید طنز برای چند دفعه‌یی راه خوبی باشد، اما نمی‌شود همه این راه